پیشنهاد کتاب

پشت پرده یک دادگاه جنجالی در آلمان

یکی از رویدادهای مهمی که در دهه ۵۰ درباره احزاب تجزیه‌طلب کردستان روی داد، کشته‌شدن تعدادی از رهبران حزب دموکرات کردستان ایران در رستوران میکونوس بود که به یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های تاریخ قضایی آلمان تبدیل شد.

این پرونده یک متهم ایرانی به نام کاظم دارابی داشت و به دلیل استفاده‌های تبلیغاتی و سیاسی که گروه‌های تروریستی از این حادثه کردند، اطلاع از واقعیت ماجرای میکونوس و پشت پرده این گروه‌های قدرت‌طلب که نه‌تنها به جان مردم کردستان، بلکه به یکدیگر هم رحم نمی‌کنند، دارای ارزش تاریخی و تحلیلی زیادی است.

کاظم دارابی بعد از آزادی، خاطرات خود را از دادگاه میکونوس آلمان بیان کرد و کتاب خاطرات او به عنوان یک سند تاریخی و خواندنی درباره عملکرد دولت و دستگاه قضایی آلمان مهم است. کتاب «نقاشی قهوه‌خانه» نوشته محسن کاظمی به بیان خاطرات این دانشجو و تاجر ایرانی مقیم آلمان که به عنوان یکی از متهمان اصلی این واقعه آنچه را که دیده، شنیده، خوانده و متحمل شده بیان کرده است و کتاب در بخش علوم انسانی بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال دانشجویی در رشته تاریخ به عنوان کتاب برتر برگزیده شده است.

کاظمی از نویسندگان خوب و صاحب سبک کتاب‌های تاریخ انقلاب اسلامی است که این کتاب او نیز از نظر انتخاب سوژه، کتاب جذابی است.

...ت تبیین ماهیت حزب کومله

...ت؛ روایت‌هایی که گفته نشد

عدم بازخوانی، رفتارشناسی و تبیین تاریخ خیانت‌های هریک از این عوامل، زمینه جولان آنها را بر محور تحریف تاریخ فراهم کرده است. یکی از گروهک‌های تروریستی که در تمام تاریخ پس از پیروزی انقلاب اسلامی جنایت‌های بسیار را علیه مردم ایران رقم زده گروهک کومله است.

این گروهک شبهه نظامی در این سال‌ها با پول سعودی رشد کرده و زیر نظر عناصر امریکایی-اسرائیلی آموزش اطلاعاتی و امنیتی دیده، در میدان با تفکر انگلیسی براساس شعار تجزیه طلبی کردها، رفتار می‌کند. این گروهک پرخشونت با پیروزی انقلاب و آغاز شروع جنگ تحمیلی علیه مردم مظلوم ایران براساس تفکرات مائو با ۱۰ نفر اعلام موجودیت کرد و وارد فضای سیاسی در مناطق کردنشین شد اما تاکنون نتوانسته پایگاه اجتماعی مناسبی برای مشروعیت بخشیدن در بین آحاد مردم به دست آورد.

خواسته‌ای ما را از بین ببری، او را به‌شدت شکنجه می‌کنند.

فاطمه در اسارتگاه ضدانقلاب بعد از روزها تحمل شکنجه‌های سخت به همراه یک نیروی بسیجی در حالی که به او گفته می‌شود می‌خواهیم آزادت کنیم، پای پیاده در حالی که تمام وجودش زخمی بود به سمت ارتفاعات چهل چشمه دیواندره حرکت داده می‌شوند و در ارتفاعات این کوه از آنها می‌خواهند برای خودشان قبر بکنند.

اعضای این گروهک شقاوت و جنایت را به اوج می‌رسانند و از کمر به پایین آنها را تیرباران می‌کنند، صدای زجه‌های فاطمه در آن شب و روز در کوه‌های چهل چشمه آن‌قدر سوزناک بوده که مردمان روستای اطراف را برای کمک به او به تکاپو می‌اندازد، ولی با پیکر بی‌جان و در خون‌خفته آنها روبه‌رو می‌شوند و در همان‌جا در قبرهایی که با دست خودشان کنده بودند، دفن می‌شوند. بهاءالدین پنج ماهه بی‌تاب و بی‌قرار مادر است، هرکاری می‌کنند آرام نمی‌شود، گرسنه و بی‌قرار در غیبت مادر درگهواره جان می‌بازد و کتاب زندگی‌اش خیلی زود بسته می‌شود، وضعیت دختر فاطمه هم که تنها سه سال دارد از برادرش بهتر نیست.

مرگ برادر، نبود پدر و غیبت چند هفته‌ای مادرش او را سخت غمگین کرده است، روزها، به هفته و هفته به ماه و سال گره می‌خورد، چشم‌انتظاری برای دیدن پدر و مادر همچنان ادامه دارد تا این‌که دوران اسارت پدرش به پایان می‌رسد و شاه‌محمد به روستا برمی‌گردد.

شاه‌محمد پنج سال سخت‌ترین روزها را در زندان‌های ضدانقلاب گذارند و بعد از طی این همه سختی و شکنجه به امید دیدار با خانواده‌اش به خانه برمی‌گردد اما با جای خالی همسر و پسرش مواجه می‌شود، وقتی از سرگذشت تلخی که بر خانواده‌اش گذشته، باخبر می‌شود و می‌فهمد پسرش از بی‌کسی فوت شده و خبری از همسرش نیست به دنبال همسرش خیلی از روستاهای اطراف را می‌گردد اما نمی‌تواند پیکر همسرش را پیدا کند.

۲۱ مهرماه دو سال قبل، وقتی خبر شهادت «شاه‌محمد محمودی» به عنوان پنجمین جهادگر حوزه سلامت دل فعالان این عرصه و آحاد مردم کردستان را داغدار کرد، کسی از آنچه بر این آزاده ایثارگر و خانواده‌اش در طول سال‌های حضور ضدانقلاب در کردستان گذشته بود، خبری نداشت. شاه‌محمد در میدان مبارزه با کرونا مهرماه امسال به شهادت رسید و چهره در نقاب خاک کشید و بازگشت این مسافر را به چشم ندید...

چشمان منتظر و گریان دختر شهیده فاطمه در حالی که پدر آسمانی‌اش را بدرقه می‌کرد که هنوز داغ ۴۰ ساله بی‌خبری از مزار مادرش وجودش را به سختی چنگ می‌انداخت. دختر شهیده فاطمه در حالی پدر آسمانی‌اش را بدرقه کرد که ۴۰ سال از مزار مادرش بی‌خبر بود. کمتر از یک ماه از شهادت پدرش، این انتظار ۳۷ ساله به پایان رسید و یوسف گم‌گشته شاه‌محمد و دخترش به منزل بازگشت. کوه‌های سر به‌فلک کشیده چهل چشمه در منطقه دیواندره که سال‌ها غریبی آشنا را در دل خود جای داده، بالاخره در روزهای سرد پاییزی به حرف آمد، دل شکافت و آشنای غریب به خانه بازگشت و در بارگاه امامزاده بی‌بی هاجره خاتون، خواهر امام رضا(ع) تشییع و در آن مکان به خاک سپرده خواهد شد.

در سال ۷۲ شهیده فاطمه اسدی به عنوان شهیده جاویدالاثر در فهرست شهیده‌ها و شاه‌محمد نیز در لیست آزادگان استان کردستان قرار گرفت.

فاجعه روستای قارنا

مورد بعدی اتفاقی است که در گردنه دوآب واقع در جاده پیرانشهر- نقده روی داد. ماجرا چنین بود که تعدادی از جوانمردان ژاندارمری در ۱۰ شهریورماه برای مرخصی از پیرانشهر به نقده برمی‌گشتند، وقتی به گردنه دوآب رسیدند، جنگ افروزان چند نارنجک داخل کامیون حامل آنها پرتاب و سپس به آنها حمله کردند. در این حادثه ۱۵ جوانمرد شهید و شش نفر هم مجروح شدند. وقتی پیکر این شهدا وارد نقده شد، مردم و خانواده‌های آنها بسیار ناراحت شدند. از این رو جمعی از مردم نقده و برخی از همکاران این شهدا روز بعد به دنبال افراد مسلح حزب دموکرات گشتند تا آنها را پیدا و مجازات کنند.

این افراد، وارد روستای قارنا شدند که در کنار جاده و نزدیک گردنه دوآب قرار داشت. آنها تعدادی از مردم روستا را که فکر می‌کردند از اعضای گروه‌ها باشند، کشتند و فاجعه غم‌انگیزی رخ داد. زیرا ۴۶ نفر از اهالی به شهادت رسیدند که اگر نگوییم همه، بسیاری از آنها بی‌گناه بودند. درباره این فاجعه تبلیغات زیادی از سوی گروه‌ها انجام گرفت اما آنها به تحریک اولیه این فاجعه که در روز قبل رخ داده بود و ۱۵ جوانمرد به شهادت رسیده بودند، اشاره‌ای نمی‌کردند.

کشتار در زندان دولة‌تو

حدود ۲۸۰ نفر از نیروهای نظامی و دولتی در روستای دولتو در منطقه شمال‌غربی سردشت و نزدیک مرز ایران و عراق، زندانی حزب دموکرات بودند. دقیقا معلوم نیست حزب دموکرات با ارتش عراق هماهنگی کرده بود یا عوامل عراق در داخل حزب، محل این زندانیان را به ارتش عراق اطلاع رسانده بودند که در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۶۰ هواپیماهای عراق برای بمباران این زندان وارد فضای ایران شدند. وقتی محافظان زندان هواپیماها را دیدند؛ بعضی از زندانیان را که برای بیگاری به بیرون از زندان برده بودند، به داخل زندان بازگردانند و خودشان به تپه‌های اطراف رفتند. در این بمباران ۸۰ زندانی شامل پاسدار، ارتشی، شهربانی و اهالی منطقه که با نظام همکاری داشتند به شهادت رسیدند و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شدند.

فاجعه ۲۳ تیر ۵۸ مریوانبه روایت شهید چمران

مصطفی چمران به عنوان یکی از اعضای هیات اعزامی به مریوان، واقعه ۲۳ تیرماه را این چنین توصیف کرده است: در شهر مریوان ۲۵ پاسدار کرد محلی زندگی می‌کردند که اهل همین شهر بودند. تنها گناه آنها این بود که به انقلاب اسلامی ایران معتقد بودند و نمی‌خواستند از احزاب چپ تبعیت کنند. در تاریخ ۲۳ تیرماه ۵۸، صدها نفر افراد مسلح احزاب چپ، وارد مریوان شدند و پاسداران را محاصره کردند. نیمی از آنها را کشتند و بقیه را مجروح کردند. یکی از مجروحان پاسدار را با موزاییک سر بریده بودند، پیکر او را روی سنگفرش‌ها و اطاق‌ها کشیده بودند و نواری پهن از خون او همه‌جا را گلگون کرده بود. آنها دهان پاسداران را با نارنجک منفجر کرده و ریش‌های آنها را سوزانده بودند.

پاسداری که کومله سر او را با موزاییک بریده بودند، شهید «داراکهنه‌پوشی» بود، همرزمانی که در رکاب او بودند در مورد نحوه شهادتش چنین نقل می‌کنند: در تمام مدتی که در محاصره بودیم، دارا با روحیه عالی‌ای که داشت، کمترین هراسی به دل راه نداد و با رشادتی غیرقابل وصف جنگید. وقتی که فرمانده رشید و فداکار عبدا... طرطوسی به شهادت رسید، دشمن توانست به داخل مقر نفوذ کند. جنگ تن به تن آغاز شد و دشمن با تمام توان تلاش کرد دارا را زنده دستگیر کند تا این‌که او به اسارت درآمد. گروهک براساس کینه بسیاری که از او داشتند، تمام بدنش را با آتش سیگار سوزاندند و با سرنیزه زخم‌های متعددی به بدنش وارد کردند، در نهایت پس از شکنجه‌های وحشیانه سرش را با موزاییک بریدند و از تن جدا کردند.

تکه‌های گوشت یک پایدار در پلاستیک

جانباز سعید بلوری از رزمندگان گردان تخریب لشکر ۲۷ محمد رسول ا... (ص) از لحظه ورودش به سقز این گونه روایت کرده است: وقتی به سقز رسیدیم، صدای خواندن دعای کمیل ما را به سمت خود کشید. کسی که دعا می‌خواند، در بین دعا خاطره‌ای از آن منطقه تعریف کرد و گفت: کومله‌ها ۱۰ نفر از سربازهای ارتش را اسیر کردند و گفتند: ما به شرطی گروگان‌ها را پس می‌دهیم که یک پاسدار به ما بدهید. یکی از برادران سپاه، داوطلب شد و گفت: من حاضرم بروم. برادران دیگر اعتراض کردند و گفتند: ما هم می‌خواهیم برویم. قرعه‌کشی شد و قرعه به نام همان داوطلب اولی درآمد. او رفت و ما با دوربین نگاه می‌کردیم. منافقین آن پاسدار را گرفتند و به غیر از یک سرباز، ۹ اسیر را آزاد کردند. با چشمان‌مان دیدیم که اول لباس فرم آن سپاهی را سالم درآوردند و بعد مثل وحشی‌ها با چاقو بر سر او ریختند و هرکدام تکه‌ای از بدنش را کندند. هر کسی این منظره را با دوربین نگاه می‌کرد، حالش بد می‌شد. بعد کومله‌ها بدن تکه‌تکه شده را داخل پلاستیک گذاشتند و لباس سپاه را رویش قرار دادند و به آن سرباز گفتند: این هم پاسدار شما، حالا برو.

حزب کومله توسط عبدا... مهتدی، فرزند رحمان مهتدی از فئودال‌های منطقه بوکان تاسیس شده است. این جریان شبه‌نظامی با شعارهای سیاسی در برابر دریافت پول بیشتر به هرجنایتی همچون قتل هم‌گروهی‌های خود هم دست می‌زنند

سرنوشت توابین گروهک کومله

دسته سوم، جنایاتی بود که این احزاب جنگ‌افروز علیه نیروهای خودشان مرتکب می‌شدند. این افراد پس از مدتی فعالیت از همکاری با گروه‌ها پشیمان می‌شدند. آنان اقدام به برقراری تماس با نیروهای دولتی برای تسلیم شدن می‌کردند یا بدون هماهنگی قبلی خود را تسلیم می‌کردند. در برخی موارد هم پیش می‌آمد که فردی از گروه‌ها قصد همکاری با دولت نداشت اما گروه‌ها به او مظنون می‌شدند و او را دستگیر می‌کردند، بسته به اتهامی که به آنها می‌زدند، او را زندان یا اعدام می‌کردند. مواردی هم بود که فردی از گروه خارج شده بود و زندگی عادی داشت اما با اعزام تیم‌های ترور، آن فرد ترور می‌شد. یک نمونه بارز از این افراد، کشتن محمد خشمن (معروف به محمد مهاجر) بود که قبل از تسلیم، فرمانده هیز سقز از حزب دموکرات بود و پس از تسلیم شدن او را در سال ۱۳۶۴ به شهادت رساندند.

و در آخر...

«چند سال قبل در جمعی یک نفر از من پرسید که شما در قضیه زن در مقابل غرب چه دفاعی دارید؟ من گفتم دفاعی ندارم، حمله دارم! آنها باید دفاع کنند، آنها باید جواب بدهند... دفاع؟ من دفاع نمی‌کنم. ما مدعی هستیم در قضیه زن.»

(رهبر معظم انقلاب- ۵ مرداد ۱۴۰۱)

در بحران این چند روز اخیر که با شعار آزادی و بهانه حجاب آغاز شد، افرادی مدعی آزادی هستند که خود بویی از این مفهوم نبرده‌اند و با خشن‌ترین ابزارها و رفتارها، زن را به بردگی و ذلالت کشیده‌اند که نمونه‌های آن پیشتر آمده است. افراطیون مدعی اصلاحات نیز به جماعت دروغگوی حامی شعار «زن، زندگی، آزادی» اضافه شده‌اند. این در حالی است که افکار عمومی هنوز ماجرای شهردار اسبق و نحوه قتل همسرش را فراموش نکرده است. شعار دروغین «زن، زندگی، آزادی» نشان‌دهنده بغض و خشم دشمن از زنان ایرانی است. زنانی که یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به تمدن غرب زده‌اند. مهم‌ترین چشم اسفندیار نهادهای فرهنگی ایران در این غائله، غفلت از روایتگری و تبیین و بازنمایی ماهیت دشمنان تاریخی این سرزمین است. اجماع شگفت‌انگیز دشمنان قسم‌خورده این سرزمین در اغتشاشات اخیر، خاطره حمایت جهانی از صدام در هشت سال دفاع جانانه ایرانیان را زنده می‌کند اما ملت ایران همچون گذشته، امروزهم در جنگ ترکیبی اخیر دشمن در پوشش فریبنده دفاع از حقوق زنان، باز هم سربلند بیرون آمده و دشمن را بیش از پیش مأیوس و سرخورده کرده است. زنان فهیم و شریف ایران می‌دانند که پشت‌پرده پروژه مخالفت دشمن با حجاب، چیزی نیست جز اجرای «بی‌حجابی اجباری»؛ آرزویی که دشمن تاکنون به گور برده و هیچ‌گاه آن را در ایران اسلامی به چشم نخواهد دید. همان‌طور که رهبر حکیم انقلاب با هوشمندی و درایت فرمودند، ما در مسأله زن و حقوق زن در مقابل غرب، مدعی و طلبکار هستیم.

درنگ

مروری بر چند کتاب درباره یک گروهک تروریستی

در کمین کومله‌ها

کتاب «در کمین کومله‌ها» در ردیف خاطرات آزادگان قرار دارد. خاطرات آزادگان معمولا از اردوگاه‌های ارتش صدام است اما راوی این کتاب، اسیر گروهکی ضدانقلاب و مانند آنها در خاک عراق زندانی بوده است. او از فضا و مکان اسارت و آدم‌هایی که در آن موقعیت دیده، هرچه خاطره داشته، گفته است و مدرکی به کتاب‌های مربوط به خاطرات اسارت در زندان‌های گروهک‌های ضدانقلاب افزوده است.

بخش دیگری از گفته‌های راوی که به دارایی خاطرات از دهه ۱۳۶۰ شمسی افزوده شده، مربوط به دوره‌های آموزشی است که او به‌عنوان بسیجی و پاسدار در آن ایام پشت سر گذاشته؛ این خاطرات از فعالیت‌های خاصی در آن سال‌ها خبر می‌دهند که موضوع‌های قابل‌توجهی برای طرح‌های تاریخ شفاهی خواهند بود.

امیر حسین‌پور، انجام گفت‌وگو و نگارش کتاب در کمین کومله‌ها را برعهده داشته است. این کتاب ۲۲۳ صفحه‌ای در حوزه هنری استان گیلان تولید و توسط انتشارات نکوآفرین در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. حسین‌پور در یادداشت خود بر کتاب نوشته که جلسات مصاحبه با محمدامین غفارپور، ۳۰ ساعت طول کشیده است و راوی به مدت ۱۵ ماه در اسارت گروهک کومله بوده و نخستین آزاده شهرستان تالش است که سال ۱۳۶۵ به دیارش بازگشته.

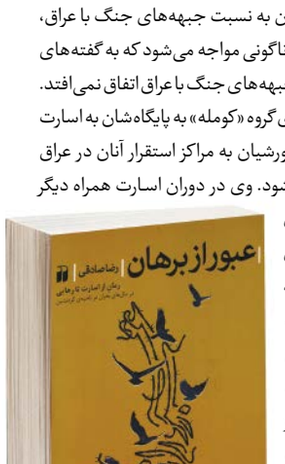

نویسنده این کتاب با جابه‌جایی در سیر زمانی ۲۷ بخش روایت قبل از اسارت و حین اسارت راوی، سعی کرده تفاوتی بین کتاب خود با کتاب‌های دیگری که خاطرات را به‌صورت خطی از تولد تا کنون یا از تولد تا مهم‌ترین فراز زندگی راوی دربردارند، ایجاد کند اما به‌هر حال خواننده با سرگذشت راوی تا پایان مهم‌ترین حادثه زندگی او، یعنی اسارت روبه‌روست.

همچنین رمان «عبور از برهان» نوشته رضا صادقی به موضوع اسارت تا رهایی شخصیتی به نام «حمید» می‌پردازد.

حمید رزمنده بسیجی است که برای حضور در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، می‌خواهد به جبهه‌های جنگ در جنوب کشور برود اما طبق دستور، او را برای برقراری امنیت به روستای «برهان» در شهر بوکان می‌فرستند. حمید در حین خدمت، ضمن آشنایی با پیچیدگی‌ها و مشکلات خدمت رزمندگان در کردستان به نسبت جبهه‌های جنگ با عراق، با حوادث و وقایع گوناگونی مواجه می‌شود که به گفته‌های دوستانش، هرگز در جبهه‌های جنگ با عراق اتفاق نمی‌افتد. او در یکی از حمله‌های گروه «کومله» به پایگاه‌شان به اسارت درمی‌آید و توسط شورشیان به مراکز استقرار آنان در عراق منتقل و زندانی می‌شود. وی در دوران اسارت همراه دیگر زندانیان رنج زیادی می‌کشد و به دختری از اعضای کومله به نام «گلاره» علاقه‌مند می‌شود و داستان به این ترتیب ادامه می‌یابد. عبور از برهان را انتشارات موسسه نشر و تحقیقات ذکر روانه بازار کتاب کرده است.

سینما

دولت، مشکل مسکن سینماگران را حل می‌کند

محمد خزاعی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی کشور در جمع سینماگران استان قم گفت: در سطح کشور تنها ۶۰۰ پرده سینما داریم و ۲۲۲ شهر با جمعیت بالای ۵۰هزار نفر از داشتن سالن سینمایی محروم هستند. خزاعی با اشاره به این‌که احداث سینما در این شهرها یکی از برنامه‌های دولت سیزدهم است، تصریح کرد: امکانات دفاتر سینمای جوان برای ۱۲سال قبل است و در شورای عالی سینما به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور مصوب شد تا پایان سال تمام دفاتر سینمای جوان تجهیز شوند. وی به موضوع حمایت سازمان سینمایی برای تولید فیلم کوتاه و مستند در استان‌ها اشاره کرد و افزود: برای نخستین بار ۷۰درصد بودجه سینمای جوانان و ۴۰درصد بودجه مرکز گسترش و سینمای تجربی به شهرستان‌ها اختصاص داده شده است. رئیس سازمان سینمایی همچنین از پیگیری مشکل مسکن سینماگران خبر داد و گفت: طرح خانه‌دار شدن سینماگران فاقد مسکن و زمین و واجد شرایط از میان ۸۰۰۰ سینماگر عضو صندوق هنر در حال تدوین است که در جلسه آینده شورای عالی سینما ارائه خواهد شد./ سازمان سینمایی

ادبیات

شاعر انقلابی شاعر عدالت است

ابوالقاسم امیراحمدی، پژوهشگر ادبی و استاد زبان و ادبیات فارسی تاکید دارد شاعر انقلابی، شاعر عدالت است، پرداختن به دردهای اجتماعی را وظیفه و تکلیف هنرمند می‌داند و طبیعی است با جریان‌هایی که تعهد و توجه به جامعه را خلاف روح هنر و مانع جاودانگی آن می‌شمرند سر ناسازگاری داشته باشد.

وی افزود: در دوران پس از جنگ، جلوه‌های متفاوتی از فرهنگ و مبانی اخلاقی در شعر شاعران انقلاب اسلامی در آثار ادیبان و شاعران نمایان شد. شعر انقلابی معاصر در مفاهیم ارزشی، آیینی و اجتماعی فعالیت چشمگیری داشته و از همین رو، جلوه‌های اخلاق و فرهنگ نیز در مجموعه‌های شعر آیینی و اجتماعی پدیدار شده است.

وی گفت: پس از پایان جنگ تحمیلی و از اوایل دهه ۷۰ به دلیل بروز برخی معضلات اجتماعی از جمله بی‌بندوباری‌های اخلاقی، گسترش مدگرایی و مفاسد اقتصادی شاعران متعهد واکنش‌های جدی نشان دادند و همین موضوع سبب ظهور جریانی از شعر به نام شعر اعتراض شد و در دهه‌های بعد نیز این جریان ادامه یافت./ ایبنا

قاب

یک فیلم ماندگار درباره کردستان

یکی از فیلم‌هایی که درباره کردستان و نبردهای آن ساخته شده و فیلم خاص و ویژه‌ای هم هست، فیلم «اشک سرما» است که برای نخستین بار به موضوع سوءاستفاده‌های گروهک‌های تروریستی از زنان پرداخته است. این فیلم به کارگردانی عزیزا... حمیدنژاد در سال ۱۳۸۲ ساخته شده و داستان سربازی به نام کاوه کیانی (پارسا پیروزفر) را روایت می‌کند که برای پاکسازی منطقه‌ای که توسط نیروهای کومله مین‌گذاری شده به یک روستای مرزی درکردستان اعزام می‌شود. فیلم از منظر روابط انسانی به بحران جنگی در منطقه می‌پردازد و هنرمندی کارگردان در صحنه‌های زمستانی و پر از برف و بوران فیلم ماندگار است.